

#### نگاه

### گفت‌وگو هنوز آیین درویشی نیست!؟



◀ **کریم ارغنده‌پور**

● مهم‌ترین نیاز جامعه ایران چیست؟ به نظر من این نیاز در درجه نخست در بخش فرهنگ است. درست است که ما ایرانیان از یک پیشینه تاریخی تمدنی برخورداریم ولی این اتکا کافی نیست و نیاز به روزآمدی و بازیابی دارد. مثلا نحوه مشارکت مدنی در عرصه عمومی یکی از نمونه‌های قابل ذکر است. ما برای همزیستی مطلوب در جامعه نیاز به درک یکدیگر و شنیدن صداهای متفاوت داریم. دوران تک‌صدایی‌ها به‌سر آمده است. تنها راه برای ایجاد این هم‌زیستی «گفت‌وگو» همراه با مداراست. ادب گفت‌وگو هم این است که هر دو طرف از امکان گفت‌و شنوند منصفانه برخوردار باشند. این موضوع نه‌تنها درباره عناصر جامعه با یکدیگر بلکه در رابطه جامعه و دولت نیز صادق است. بدون گفت‌وگو و به‌رسمیت‌شناختن هر یک از دو طرف، هیچ جامعه‌ای نه امکان پیشرفت خواهد داشت و نه ادعای آن برای زندگی کمال‌یافته‌تر پذیرفتنی است. رسانه‌ها در این میان بهترین ابزار برای امکان‌پذیری و آفرینش فضای گفت‌وگو در سبهر عمومی هستند. رسانه مونولوگ یک رسانه مرده است و از اعتبار لازم برخوردار نیست. رسانه جولانگاه تضارب افکار و سلیقه‌ها برای امکان‌پذیری داوری مطلوب در جامعه است. به این ترتیب رسانه خوب، رسانه‌ای است که در آن امکان گفت‌وگو فراهم آمده است. به نظر من این مهم‌ترین معیار برای ارزیابی یک رسانه است. هم دست‌اندرکاران رسانه با این شاخص امکان خودسنجی دارند و هم مخاطبانشان با این ابزار می‌توانند پویایی و کارآمدی را بهتر جست‌وجو کنند. این روزها مصاف با انتشار دوهزارمین شماره روزنامه «شرق» است. فرصت را مغتنم می‌شمارم و به همکاران عزیزى که همه سختی‌های این راه دشوار و ناهموار را به جان خریدند و چنین فرصتى را برای جامعه گشوده‌اند صمیمانه تبریک عرض می‌کنم. روزنامه مستقل منتشرکردن برای دوهزارشماره دلی به وسعت دریا و همتی بلند و فراغ از امن و آسایش می‌طلبد. امید که فرصت گفت‌وگو در «شرق» کماکان مهیا باشد و ادبیات و رفتار خشن با متانت روزنامه به مسیر عقابیت و آرامش گرفتار آید. تداوم انتشار «شرق» را آرزو دارم.

#### بیان راستی‌ها و حقایق



◀ **اکبر گلیپاگانی (کلبا)**

● من از طرفداران روزنامه «شرق» هستم، چیزهای زیادی از این روزنامه آموختم و برای من مانند دانشگاه است. روزنامه «شرق» خیلی از حقایق را می‌نویسد و سراسرى از روى موضوع‌ها نمى‌گذرد، خواننده را گمراه نمى‌کند و آنها را به فکر وامى‌دارد. روزنامه «شرق» مطالب را پیگیری می‌کند و بیان راستی‌ها و حقایق برایش مهم است که همین نکته باعث می‌شود، خوانندگان احساس خستگی نکنند و گزارش‌ها و مقاله‌های نوشته‌شده برای مخاطب آموزنده باشند. البته چون خودم در حوزه هنر فعالیت می‌کنم، این حرف‌های به‌منزله این نیست که این نکات محدود به صفحه هنر است، به‌نظرم تمام صفحات روزنامه «شرق» چنین ویژگی‌هایی را دارد. من ۲۴، ۲۵ سال است که سکوت کرده‌ام چون متقدم به‌عنوان یک موسیقیدان باید کارى کنم که به‌در جوانان و نسل‌های بعد بخورد و این هدف با روزنامه «شرق» محقق شده است. موسیقی کشور ما با فراز و فرودهای زیادی روبه‌رو بوده و خیلی از جوانان فکر می‌کنند موسیقی تنها دانشن ردیف است اما ما باید موسیقی درست و اصولی را آموزش دهیم و این موضوع را در جامعه جا بیندازیم که علاوه‌بر ردیف، دانستن هم فرد به باده‌نوازی می‌رسد و این همان مرحله‌ای است که موسیقیدان‌هایی مانند جلیل شهناز، ب. به آن رسیدند. ما هم به کمک روزنامه «شرق» این کارها را انجام می‌دهیم چون می‌دانیم کسانی که در این روزنامه کار می‌کنند، مانند ما دوست دارند به نسل جوان کمک کنند و صورت درست یک موضوع را به خوانندگان منتقل کنند.

#### آغاز هزاره سوم «شرق»



◀ **سپیل محمودی**

● من یک روزنامه‌نگار تقریبا باسابقه هستم. از اواخر دهه ۵۰ و اوایل دهه ۶۰ روزنامه‌نگاری حرفه‌ای را شروع کردم و تا اواسط دهه ۸۰ هم رسماً شغلم روزنامه‌نگاری بوده برای همین سرکشیدن به روزنامه‌ها و ارتباط با آنها فکر می‌کنم نوعی تقدیر ازلی ابدی برایم خواهد بود. یکی از روزنامه‌های مورد علاقه‌ام در این بیش از ۳۰ سال ارتباط مستمر با مطبوعات، روزنامه «شرق» بوده است. اول از همه به خاطر اتمش که باری فرهنگی داشته برای من که کارم با کلمه و اندیشه پیوند دارد. بعد هم لوگو ساده اما شاخص این روزنامه همیشه برایم جذاب بود. ساد هاست پیگیر مطالب این روزنامه هستم، چه آن زمان که هر روز، روزنامه کاغذی از دکه می‌خریدم چه حالا که کمتر روزنامه کاغذی می‌خرم و بیشتر از طریق اینترنت مطالب را دنبال می‌کنم. خوشحالم که «شرق» وارد هزاره سوم شد. حرف آخر اینکه اگر از من بپرسند سه روزنامه‌ای که در ذهنش روی سکوی رود کدام‌ها هستند؟ به ترتیب حرف‌الفبا از روزنامه اطلاعات، روزنامه اعتماد و روزنامه «شرق» یاد خواهم کرد.

# شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

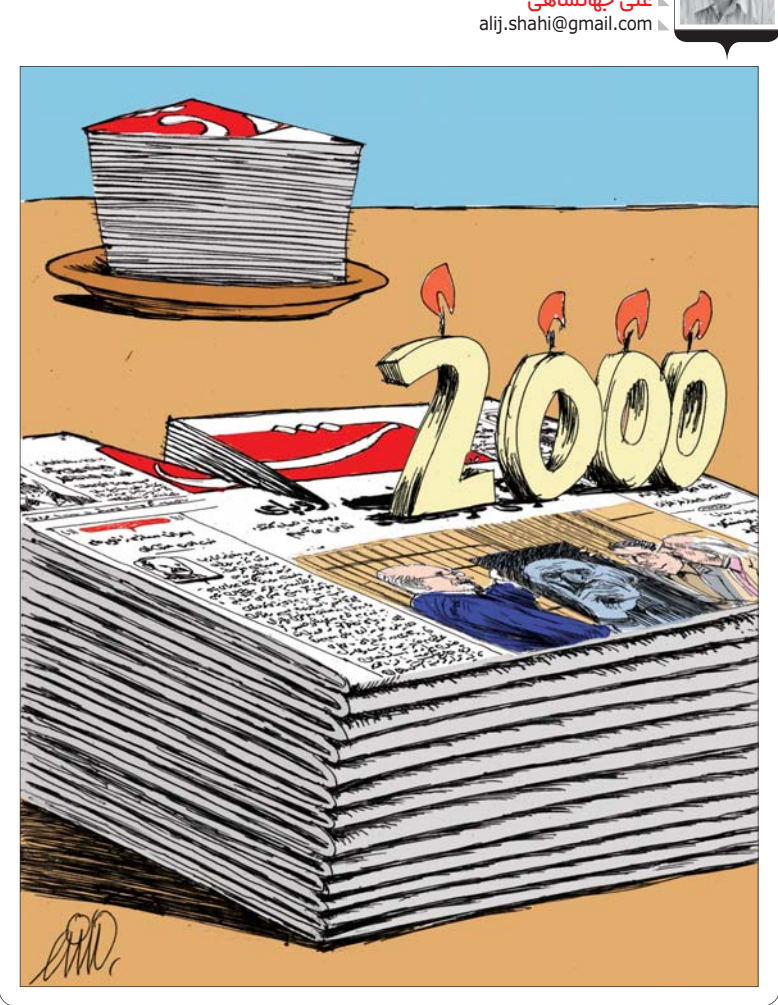
شنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۳ • ۲۶ جمادی‌الثانی ۱۴۳۵ • ۲۶ آوریل ۲۰۱۴ • سال یازدهم • شماره ۲۰۰۰ • ۱۶صفحه  
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۲ • اذان مغرب ۲۰:۰۶ • اذان صبح فردا ۴:۴۵ • طلوع آفتاب ۶:۱۷

#### روزنفرها



◀ **علی جهانشاهی**  
alij.shahi@gmail.com

#### کارتون خواب



#### هشت

### درک واقع گرایی



◀ **الهه کولایی**

باتوجه به ضعف نهادهای مدنی در کشور ما و ناپختگی و نارس بودن این نهادهای، استمرار انتشار یک روزنامه مستقل که برای افزایش آگاهی‌ها و گسترش اطلاعات جامعه تلاش می‌کند، فی‌نفسه امر مبارکی است. با در نظر گرفتن کمبودتین عمر نشریات در کشور ما، طولانی‌بودن عمر انتشار نشان‌دهنده درک

#### نه

### پادزهر



◀ **حافظ موسوی**

از بین چند ده روزنامه و مجله‌ای که در ۲۰ سال‌ اخیر، هریک چندی میهمان ده‌کده‌های روزنامه‌فروشی‌های کشور ما بوده‌اند، نمی‌دانم چند روزنامه و مجله مستقل یا غیردولتی توانسته‌اند بیش از چهار، پنج‌سال دوام بیاورند؛ اما می‌دانم که تعدادشان بسیار اندک است. از این جمع اندک، روزنامه «شرق» نامی آشناتر و تثبیت‌شده‌تر دارد و می‌دانیم که در این سال‌ها چه فرازونشی‌بها و دشواری‌هایی را تاب آورده که توانسته است تا به امروز دوام بیاورد. بنابراین جا دارد به مدیران و تحریریه این روزنامه به‌خاطر این همه‌سال حضورشان در عرصه مطبوعات ایران تبریک بگوییم و آرزو کنیم که این حضور همچنان تداوم داشته باشد.

طول عمر مطبوعات آزاد و مستقل یکی از نشانه‌های ثبات یک جامعه است. اینکه در جوامع پیشرفته سابقه انتشار بسیاری از روزنامه‌ها و مجلات، چندین دهه و گاه بیش از یک قرن است، مود این داوری است و شاید بتوان از آن چنین نتیجه گرفت که دولت‌ها برای تضمین ثبات خویش نیازی به بی‌ثبات کردن مطبوعات آزاد ندارند.

تاریخ ۱۵۰ساله مطبوعات در ایران نشان می‌دهد روزنامه‌نگاران و اهل قلم این سرزمین اگرچه غالباً از سوی دولت‌های وقت به بهانه‌هایی مورد کمپه‌ری قرار گرفته‌اند، اما در نهایت سربلند از محکمه تاریخ بیرون آمده‌اند. منظورم



#### آمیولانس

● آمیولانس به علت مشکلات فنی در دست تعمیر می‌باشد



◀ **بدر السادات مفیدی**

دوام کار نشریات ایرانی به چند عامل مهم وابسته است. مدیریت کارآمد، تحریریه توانمند و حرفه‌ای، حامی مالی قدرتمند، تحمل و مدارای نظام و در نهایت وجود فرهنگ نقدپذیری در لایه‌های مختلف جامعه برخی از این عوامل هستند. در طی دو دهه اخیر میزان تاثیرگذاری هر یک از موضوعات متأثر از شرایط روز متفاوت بوده و بسیاری

#### یک

### ۱۱سال دوام



◀ **سپیمین بهبهانی**

یازده سال دوام... دوام روزنامه «شرق» را می‌گوییم. یا بهتر، پایداری برپادارندگان آن را از هر گروه و از هر دست. این روزنامه یکی از خواندنی‌های موردعلاقه من بوده و حضورش مرا، به امید فردا دلخوش داشته است. تا آنجا که می‌دانم، چندبار در محاق توقیف افتاده اما پس از آن بیدرنگ منتشر شده. او راهنمای بسیاری از هم‌میهنانم- از جمله خود من- بوده است. انتشار آن را گامی مبارک می‌دانم. حضورش همیشگی باد و تلاش کارگزارانش، استوار...

#### آغاز

### راز ماندگاری

این نکته را به‌خوبی می‌توان مشاهده کرد. به‌نظر می‌رسد نقطه قوت این روزنامه نیز رعایت همین موضوع برای بقای خود در نبود فضای تساهل و تسامح کافی در انتشار اخبار است. علاوه بر این «شرق» در هر دوره از انتشار مجدد پس از توقیف، به‌تبع دور اول و با وجود تغییر، همواره سردبیری و هیأت‌تحریریه توانمند و حرفه‌ای را به‌کار گرفته و با برخورداری از تجربیات گذشته، سعی در تداوم حیات این مجموعه داشته است.

#### سه

### طلوع



◀ **رضا کیانیان**

آفتاب همیشه از «شرق» طلوع می‌کند. ما هم هرروز منتظر طلوع آفتاب «شرق» هستیم که روی حقایق نور بپاشد. روزنامه‌خواندن عادت ما شده؛ بدون «شرق» آفتاب کمپور می‌شود. و حتی عادت کردیم، برای آفتابی‌شدن، «شرق» را به اسامی همدیگر بخوانیم. برای یک روزنامه که باید هر روز بتابد، دو هزار شماره در حد پیش‌شماره است. حالا «شرق» همه‌گیر شده و آرزو می‌کنم همیشگی هم بشود. تا روزی فرزندان من دومیلیون‌امین شماره‌اش را ببینند و برایش جشن بگیرند. در کنار بقیه روزنامه‌های دیگر که با سلاقی دیگر هخوان است. چه روز خوبی می‌شود آن روزا جای من خالی!

#### دو

### در آرزوی تداوم



◀ **عزت‌الله انتظامی**

امروز دوهزارمین شماره روزنامه «شرق» به چاپ رسید؛ تبریک می‌گوییم... آشنایی من با این روزنامه وزین به مرور شکل گرفت. البته روزنامه‌های مختلف را نامرتب می‌خواندم اما وقتی با تحلیل‌ها و اخبار «شرق» بیشتر آشنا شدم، مصر شدم تا روزنامه را پیگیری کنم. حالا مدت‌هاست هرروز صبح منتظرم تا روزنامه به دستم برسد و بادقت تمام مطالبش را می‌خوانم. روزنامه «شرق» سال گذشته برایم تولد گرفت و من را خوشحال کرد. تمامی این مسایل باعث شده که روزنامه مورد اعتماد شود. به‌هرحال، آرزوی تداوم انتشار را دارم و برای همه دست‌اندرکاران آرزوی سلامتی از خداوند منان خواهیم.

#### چهار

### گسترش افق دیده‌شدن



◀ **هادی خانیکی**

حدودی نشان داده است و این نشانه را باید به مدیریت و یکایک نویسندگان و خبرنگاران آن تبریک گفت. انتشار روزنامه و کار روزنامه‌نگاری حقیقتاً کارهایی دشوار و مخاطره‌آمیز است. هر لحظه دل‌ها را می‌لرزاند و دست‌ها را و نهایتاً قلم‌ها را... سخت است که در چنین میثله‌ای، همچنان میل به انتشار و تمایل به نوشتن در جان و دل، زنده بماند و سخت‌تر از آن اینکه زبان روزنامه‌نگاری به لکت نیفتد. «شرق» و اهالی‌اش در این سال‌ها

#### پنج

### به امید نهاد فرهنگی شدن «شرق»



◀ **ضیا، موحد**

امروز دوهزارمین شماره انتشار

«شرق» را جشن می‌گیریم و من با خود فکر می‌کنم که ای کاش انتشار این دوهزارشماره مستمر بود و این روزنامه چندبار توقیف نمی‌شد. اما همین دوهزارشماره منتشرشدن یک روزنامه مستقل هم غنیمت است. از شهریور ۱۳۸۲ تا هم‌اکنون بیش از ۱۰سال می‌گذرد و اگر این روزنامه در این مدت چهاربار توقیف نمی‌شد باید شاهد سه‌هزار وچندصد شماره انتشارش می‌بودیم در صورتی که حالا شاهد انتشار دوهزارشماره‌اش هستیم. «شرق» ای‌ها هر وقت از من مطلبی خواستند اگر فرصتی داشتم، بی‌درنگ اجابت کردم. هربار گفت‌وگویی با این روزنامه رخ داده، از بهترین برخوردهای رسانه‌ای با من بوده. روزنامه مستقلی مثل «شرق»، یکی از ارکان فرهنگی-اجتماعی ماست.

در گذشته ضمیمه‌هایی که این روزنامه منتشر می‌کرد (که نمی‌دانم چرامروز دیگر منتشر نمی‌شود) بسیار اطلاعات خوبی می‌داد به‌خصوص درباره پیشکوتانی که شاید حتی کمتر شناخته شده بودند. دوهزارشماره انتشار این روزنامه نشانگر آن است که اهالی این روزنامه کار خودشان را بلند و امیدوارم از این دست روزنامه‌های معتبر بیشتر منتشر شوند. در انگلستان روزنامه‌هایی مثل «گاردین» و «دیلی تلگراف» سال‌هاست که منتشر می‌شوند و تبدیل به نهاد معتبر فرهنگی شده‌اند. وقتی یکی از این روزنامه‌های مهم به علت تخلفی مهم تعطیل شد عموم مردم آندوهکین شدند. روزنامه‌ها در کشورهایی که آزادی مطبوعات دارند، یک بنیاد مهم فرهنگی هستند که توسط نیگبان حفظ و نگهداری می‌شوند، به اندازه نسل‌ها عمر دارند و از ارکان مهم فرهنگی هستند. نباید هرگز فکر کنیم که روزی شاهد انتشار آخرین شمارشان هستیم چرا که آنها میراث نسل‌ها هستند. امیدوارم در ایران هم، روزی رسانه‌ها از چنین جایگاهی برخوردار باشند. من همیشه خاطره خوشی دارم از مطالعه این روزنامه و رفتار اهالی‌اش، چرا که صاحب خبرنگاران حرفه‌ای است و همیشه مقالات و گزارش‌ها و گفت‌وگوهای وزنی دارد.

#### هفت

### جلب اعتماد عمومی

را که «می‌دانند» و «می‌بیند» بازتاب دهنده خیلی دشوار نیست اما نکته کلیدی درباره این روزنامه این است که آن مقداری را که منعکس می‌کند مورد پذیرش خوانندگان و در سطح وسیع‌تر، مورد قبول جامعه قرار می‌گیرد. خیلی‌ها هستند که «شرق» و خط فکری و جهت‌گیری سیاسی آن را قبول ندارند. حتی مخالف آن هستند. اما خوانندگان به کنار، مخالفان هم اذعان دارند، می‌توان به آنچه در «شرق» نوشته شده یا گزارش شده، استناد کرد. ویژگی دوم «شرق»، رعایت اخلاق و وجدان روزنامه‌نگاری است. این روزنامه حاضر نیست من آب‌خوردن و صفا به‌واسطه ملاحظات و انگیزه‌های سیاسی، هرچه را که خواست به مخالفان و دیگران نسبت دهد. یقیناً تحریریه «شرق» نیز مانند همه انسان‌های دیگر، اعتقادات و تمایلات سیاسی و عقیدتی دارند. یقیناً خبرنگاران، نویسندگان و مسوولان این رسانه نیز مانند همه انسان‌های دیگر، به برخی چهره‌ها و شخصیت‌ها علاقه بیشتری دارند و متقابلاً



◀ **مصدق زیباکلام**  
استاد دانشگاه تهران

«شرق» قطعاً «لوموند»، «گاردین» یا «واشنگتن پست» نیست و صدا البته که قرار هم نیست باشد. هروقت، از نظر رشد و توسعه سیاسی جامعه ما هم به پای آن جوامع رسید، «شرق» که علی‌القاعده می‌شود «گاردین»، اما در همین جامعه خودمان و با ویژگی‌ها و مختصاتی که دارد، «شرق»، انصافاً یک سرروگردن از فضای رسانه‌ای جامعه‌اش بالاتر می‌ایستد. نخستین و بنیادی‌ترین ویژگی آن، موفقیت در جلب اعتماد عمومی است. اعتماد عمومی را بحق باید بالاترین و مهم‌ترین دستاورد یک رسانه دانست. «شرق»، ممکن است خیلی از حقایق جامعه و رویدادها را منعکس نکند اما فهم اینکه چرا نمی‌تواند همه آنها